نگاهی به شکست طرح رژیم بعثی عراق برای استفاده از قومیت‌های ایران

اعراب خوزستان، نقطه قوت ایران در برابر صدام

■ حسن حنیف

در طـول جنگ تحمیلی، صـدام از همه ظرفیت‌های موجود برای ضربه به ملت ایران اسـتفاده می‌کرد نمونه روشن شیوه‌های صدام برای موفقیت در جنگ استفاده از گروهک تروریسـتی منافقین برای ترور و جاسوسی علیه مردم و حکومت ایران بود. دیگر گروه‌های اپوزیسـیون و ضـد انقلاب هم اگـر حاضر به پذیرش ننگ همدسـتی و همـکاری با عـراق در جنگ تحمیلی بودنـد، صدام با آغوش باز از ظرفیت آنها استفاده می‌کرد! گروهک موسوم بـه خلق عرب با اغاز جنگ به سـرعت خود را زیر پرچم عراق و صدام رسانده و ضمن دریافت حمایت‌های مالی و تسلیحاتی حزب بعث، در جبهه جنگ علیه ملت ایران قرار گرفت. صدام پیش از اغـاز تجاوز به ایران در فرصت‌های گوناگون اهداف اصلی خود را به صراحت تکرار می‌کرد که عبارت بودند از:

۱- واگـذاری ۳ جزیـره تنب بـزرگ، تنب کوچک و ابوموسی به اعراب

۲- حاکمیت بر هر دو نیمه شرقی و غربی اروندرود

۳- تجزیـه خوزسـتان و ایجاد کشـوری با نام جعلی عربستان به مرکزیت اهواز که استان‌های بوشهر و هرمزگان را هم شامل می‌شد.

در این راسـتا سـفیر عراق در لبنان، روز سوم نوامبر ۱۹۷۹ (۱۲ آبان ۱۳۵۸) یعنی نزدیک به یک سال پیش از اغـاز جنگ علیه ایران، در مصاحبه‌ای با روزنامه «النهار»، بهبود روابط با ایران را منوط به شرط‌هایی کرد که شامل تجدیدنظـر در عهدنامـه ۱۹۷۵، اعطای خودمختاری بـه اقوام ایرانی کـه با واژه تجزیه‌طلبانه «ملیت‌های» کـرد، بلوچ و عـرب از آنها یاد می‌کرد، خروج نیروهای نظامی ایران از جزیره‌های تنب بزرگ، تنب کوچک، ابوموسـی و خلیج‌فارس و واگذاری این منطقه به اعراب بود.

خود صدام حسـین در ۲۳ اسفند۱۳۵۸ نیز به وضوح بیان کرد: «... مردم ما در عربستان، منظور خوزستان، باید خود را برای اعمال حقوق ملی و میهنی خویش در سرزمین خود آماده کنند و همچنین آماده شوند تا به‌عنوان مردمی کـه دارای ویژگی‌های خاصی در طول تاریخ بوده و اکنون نیز آنها را دارا هسـتند نقش خود را ایفا کنند. مردم ما در خوزستان تمام شرایط را برای ایجاد کشور خود دارند.»

اما زمانی غلط بودن افکار رژیم بعث آشـکار شد که ارتش عراق در دروازه‌های خرمشهر با پایداری سرسختانه مردم عموماً عرب این شـهر مواجه شـد و فهمید ایران یکپارچـه و منسـجم اعم از کرد، لر، بلـوچ، عرب و... تا آخرین نفر علیه آنها ایسـتاده است. اما با این حال عراق سعی داشت با اتکا بر طرح‌های تبلیغی و عملیات روانی، پروژه تفرقه اقوام ایرانی با نظام اسـلامی را اجرا کرده و به خدمت منافع خود در جنگ درآورد. در همین رابطه طـارق عزیز، وزیر فرقه خارجه عراق در آغاز هشـتمین ماه یورش نظامی عراق به ایران در سـخنانی کینه‌توزانه و ضدایرانی گفت: «وجود ۵ ایران کوچک، بهتر از وجود یک ایران واحد خواهد بود... ما از شورش ملت‌های ایران، پشتیبانی کرده و همه سعی خود را متوجه تجزیه ایران خواهیم کرد...». استفاده از گروهک موسوم به خلق عرب توسـط سـازمان اطلاعات و امنیت عراق (استخبارات) انجام می‌گرفت و مشـابه پـروژه منافقین اسـتفاده‌ای در راسـتای کسـب اطلاعات و خرابکاری در ایران بود. عوامل این گروهک با دستور و هدایت استخبارات عراق به دلیل عدم وجود مشـکل تردد و نبودن حسـاسیت در شهرهای جنوب کشور مثل خرمشهر، آبادان، هندیجان و اهـواز خانه‌های تیمـی زیادی بـه راه انداخته بودند. این تروریسـت‌ها تسـلیحات زیادی نیز با خود به ایران و خانه‌هـای تیمی آورده بودند تا با عضوگیری و تجهیز اقدام به راه‌اندازی جنگ چریکی شهری کنند. در همین بین خرابکاری نیز از دیگر مأموریت‌های محول شـده به آنها بود که در منطقه خوزستان و جنوب بیشتر مربوط بـه ضربه به تأسیسـات نفتـی و لوله‌هـای انتقال نفت می‌شـد. هدف عراق از انفجار لوله‌های انتقال نفت ایران توسـط عوامل گروهک خلق عرب این بود که در نهایت بتوانـد مانع صـدور نفت ایران شـده و از این طریق به اقتصاد جنگ و کشـور ضربـه وارد کند. این اقدام بعضاً با کمک بمباران تأسیسـات نفتی ایران توسـط نیروی هوایـی عراق نیز دنبال می‌شـد و اگر به موفقیت نهایی می‌رسـید، جنگ را به طور کامل به سود عراق به پایان می‌بـرد. غیر از جاسوسـی و خرابکـاری، یکی دیگر از اقدامـات در طول جنگ، راه‌اندازی شـکاف‌های قومی و ایجاد مطالبه استقلال‌طلبی در مردم خوزستان بود. این حربه هرچند هیچ‌گاه کارگر نیفتاد اما همان مقدار اندک تأثیرات خود را نیز به دلیل اشتباهات مکرر ارتش عراق در هنگام ورود به روستاها و شهرهای مرزی از دست داد. توضیح دقیق‌تر اینکه عراقی‌ها با ورود به هر یک از شـهرها و روسـتاهای مرزی آنچـنان به جنایت و کشـتار می‌پرداختنـد کـه همـان عـده معدود فریب خـورده نیز متوجه می‌شدند ادعای مسـلمانی و همیّزادی بعث‌ها، دروغی بیش نیسـت و اگر در برابر این ارتش جنایتکار مقاومت نکنند، همه چیز خود را از دست خواهند داد. در مجموع واکنش مردم خوزستان در جنگ تحمیلی علیه تبلیغات و تجاوزات عراق به گونه‌ای بود که به واقع افتخار آن در تاریخ برای این مردم ثبت خواهد ماند.

در خاطرات فرماندهان جنگ نظیر محسـن رضایی و سرلشکر رحیم صفوی و بسـیاری دیگر از فرماندهان به وضوح دیده می‌شـود که بسـیاری از بخش‌های مهم و اسـتراتژیک خـود را از عراق به دسـت عناصر عرب ایرانی حفظ شـد. این عشایر در طول جنگ مال و جان خـود را حرج حفظ انقـلاب و نظام کردند. بسـیاری از فرماندهان سـپاه هنگامی که برای سرکشـی به سمت عشایر می‌رفتند تا درخواست‌های لجستیکی آنها را تأمین کنند، نه‌تنها هیچ درخواستی دریافت نمی‌کردند که باری بر دوش نظام باشـد، حتی در خاطـرات این افراد دیده شده که همین عشایر شجاع مانع اقامت فرماندهان جنگ در مناطق مرزی می‌شـدند، زیرا بیم آن را داشـتند که آسیبی به فرماندهان نظامی برسد. عرب‌های ایران بخشی از پروژه صدام برای تجزیه ایران و پیروزی در جنگ بودند که نه‌تنها هیچ‌گاه به موفقیت نرسید، بلکه در عمل تبدیل به نقطه قوت جمهوری اسلامی ایران برای ایستادگی در برابر تجاوز عراق شد.

نگاهی گذرا به پشتیبانی و هدایت تروریست‌های اهوازیه در اروپا و آمریکا

۴۰ سال جنایت

بویان شریعت: پیروزی انقلاب اسلامی ایران در بهمن ۱۳۵۷ فصل جدیـدی از تحولات سیاسـی و امنیتـی را در داخـل کشـور و جامعه بین‌الملل رقم زد. درست در ایامی که جنگ سـرد میان ۲ بلوک غرب و شرق در بالاترین سطح دوره در حال گذار و دیگری بود، انقلاب اسلامی ایران هم به‌عنوان پرونده و سوژه جدیدی توجه سرویس‌های جاسوسـی کشـورهای منطقه و غربی را به خـود جلب کرد. با آغاز تقابل سـخت سـرویس‌های غربی بویژه واشنگتن در قبال انقلاب و ملت ایران، گروه‌های جدایی‌طلب و تروریسـت در داخل کشـور به عنوان اهرم و ابزار اقدامات سـخت مورد توجه جامعه اطلاعاتی غـرب قرار گرفتند. در میان گروه‌ها و سـازمان‌های تروریسـتی در ایران که به شـکل تشکیلاتی اهداف خیارکیانه خـود را دنبال می‌کردند، نام عاملان حادثه تروریستی ۳۱ شهریور اهواز نیز دیده می‌شود. تروریست‌های جدایی‌طلبی که هدف از فعالیت تشـکیلات خـود را جدایی خوزسـتان و احقـاق حقـوق اعراب ایـن اسـتان در فرآیند تجزیه ایران مطرح کرده بودند، از نخسـتین روزهای پیروزی انقلاب اقدامات خـود را آغاز کردند و جنایت‌های مختلفی را در کارنامه خود به ثبت رساندند. این تروریست‌ها که هیچ‌گاه در ایجـاد پایگاه اجتماعی موفق نبودند از ابتدا حیات خود را با درهم‌تنیدگی میان سرویس‌های جاسوسی خارجی ترسیم کردهاند. پس از حادثه تروریستی اهواز بر آن شدیم با نگاهی گذرا به روابط این گروه تروریستی با برخی کشورهای اروپایی عمق ارتباطات و وابسـتگی آنها به کشورهای بیگانه غربی را نشان دهیم.

■ **سوئد**

کشـور سـوئد محل تجمـع برخی تشـکل‌های تجزیه‌طلـب و چهره‌هـای فعـال ایـن جریـان از جمله حبیب فرج‌الله‌چعب عضو تشـکل تروریسـتی حرکت‌النضال و علی بوعذار از عوامل بمب‌گذاری‌های صوتی در اسـتان خوزسـتان در سـال‌های گذشته و پیروز فرحانی، نصر دراجی و افراد دیگر است.

■ **دانمارک**

از سـال ۱۳۸۴ تاکنون کشـور دانمـارک یکی از پناهگاه‌ها و مأمن امن تشـکل‌های تجزیه‌طلب بوده اسـت. این کشـور مهم‌ترین محل تردد تشـکیلات تروریسـتی «حرکه النضال العربی لتحریر الاحواز»، عامل بمبگذاری‌های سـال ۱۳۸۴ اسـتان خوزستان اسـت که مدیریت یک سایت اینترنتی خلق عربی را در این کشور بر عهده دارد. «حبیب نیگان» سرکرده تشکیلات تروریسـتی «حرکه النضال العربی لتحریر الاحواز»، «یعقوب نیسـی» از اعضای این تشـکل و کاظم مجـدم از عناصر فکری جریان تجزیه‌طلب و... از شاخص‌ترین افرادی هستند که توانستهاند از کشور یادشده پناهندگی سیاسی اخذ کنند.

سـایت اینترنتی و شـبکه ماهوارای «اهوازنا» و وبلاگ «کاظم مجدم» از این کشـور تغذیه شده و با استفاده از فضای مجازی این کشور برنامه‌های خود را بدون مانع پیش می‌برند.

گروه دوستی عرب‌های ایران و دانمارک که پس از تأسـیس گروه دوستی اهوازی‌ها و انگلیس راه‌اندازی شد، نشان‌دهنده مهر تأیید دولت دانمارک بر فعالیت رسمی این عناصر است.

■ **بلژیک**

به دلیل قرار گرفتن مقر اتحادیه اروپایی در کشور بلژیک، این کشـور همواره مورد توجه ویژه گروه‌های مختلف ضدانقلاب از جمله تروریسـت‌ها بوده است. گروه‌های مختلف تجزیه‌طلب، تروریسـت و جریانات ضدانقـلاب در فرصت‌های مختلف در کشـور بلژیک و شـهر بروکسل تجمع می‌کنند و سعی دارند ضمن مطرح کردن توان اجرایی خـود در فضای پراهمیت اتحادیه اروپا، به معرفی تشکیلات تروریستی خود به نمایندگان پارلمان اروپا بپردازند. اقداماتی که با هدف رایزنی برای کسـب حمایت‌های متعدد کشـورهای اروپایی اجرا می‌شود.

این در حالی است که تجزیه‌طلبان گروهک خلق عرب نیـز از جمله همین گروه‌ها هسـتند و همواره دولت بلژیک بدون در نظر گرفتن سـوابق تروریستی آنها اجازه ورود به برگزاری تجمع را به آنها داده است.

■ **انگلیس**

انگلیـس به واقـع میزبان یک‌چهارم تشـکل‌ها و کانون‌های فعال تجزیه‌طلب مخالف نظام ایران است. رد پـای دولت این کشـور را هم می‌تـوان در غالب حرکت‌های جدایی‌طلبانه علیه ایران مشـاهده کرد. ۴ تشـکل افراطـی «حـزب تضامـن الدیمقراطـی الاهوازی» به سـرکردگی «منصور سیلاوی»، «جبهه دموکراتیـک مردمی اهواز» به سـرکردگی «محمود مزرعـه»، حضور اعضـای فعال جبهـه دموکراتیک ملت اهـواز به سـرکردگی صلاح مزرعـه، «انجمن دوسـتی عرب‌های ایران و انگلیس» به سـرکردگی «دانیـل برت» و «کانون فرهنگـی ملت عرب اهواز» به سرکردگی «جبار نجابت» در این کشور مستقرند.

انگلسـتان بـا آزادی عملـی کـه همـواره بـه تروریسـت‌های قوم‌گـرای تجزیه‌طلب تحت حمایت خود می‌دهد، امکانات لازم برای صدور مجوز رسـمی بـرای تجمـع و تحصن در مقابل سـفارت جمهوری اسـلامی و همچنین ایجاد بسترهای تبلیغی را برای آنها فراهم می‌آورد. شبکه ماهواره‌ای «المستقله» که «نبیل جنابی» عراقی‌الاصل اداره آن را بر عهده دارد، نمونه‌ای از حمایت‌های انگلستان است. از جمله دیگر موارد شـاخص حمایت آشـکار انگلیس از این گروه تروریستی و جدایی‌طلب می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- ۵ تجمع بزرگ عربـهـای به‌اصطلاح اهوازی با دعوت «جبهه دموکراتیک خلق عرب» از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ در لندن

- صدور مجوز برگزاری مجالس، همایش‌ها و... به دوسـتی عرب‌های ایران و انگلیس» به سـرکردگی «دانیـل برت» و «کانون فرهنگـی ملت عرب اهواز» به سرکردگی «جبار نجابت» در این کشور مستقرند.

انگلسـتان بـا آزادی عملـی کـه همـواره بـه تروریسـت‌های قوم‌گـرای تجزیه‌طلب تحت حمایت خود می‌دهد، امکانات لازم برای صدور مجوز رسـمی بـرای تجمـع و تحصن در مقابل سـفارت جمهوری اسـلامی و همچنین ایجاد بسترهای تبلیغی را برای آنها فراهم می‌آورد. شبکه ماهواره‌ای «المستقله» که «نبیل جنابی» عراقی‌الاصل ادارهٔ آن را بر عهده دارد، نمونه‌ای از حمایت‌های انگلستان است. از جمله دیگر موارد شـاخص حمایت آشـکار انگلیس از این گروه تروریستی و جدایی‌طلب می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- ۵ تجمع بزرگ عربـهـای به‌اصطلاح اهوازی با دعوت «جبهه دموکراتیک خلق عرب» از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ در لندن

- صدور مجوز برگزاری مجالس، همایش‌ها و... به سـرکردگی «محمود مزرعـه»، حضور اعضـای فعال جبهـه دموکراتیک ملت اهـواز به سـرکردگی صلاح مزرعـه، «انجمن عناصر تجزیه‌طلب فعال در کانون به‌اصطلاح فرهنگی ملت عرب اهواز توسـط شـهرداری منطقه الفنت و کاسل لندن

- اعطـای تسـهیلات و امکانـات متعـدد مالی و غیرمالی به عناصر فعال در کانون فرهنگی ملت عرب اهواز توسط شهرداری منطقه الفنت و کاسل لندن

- ملاقات وزیر وقت خارجه انگلیس، جک استرا، بـا منصور الاهوازی در لندن قبل از آغاز اغتشاشـات سال ۱۳۸۴ در اهواز

■ **آلمان**

«عبدالله حویس»، «حیـدر هندالی»، «عبدالزهرا هندالـی» و... از جملـه عناصر گروهـک خلق عرب هستند که از سال‌های گذشته موفق به کسب اقامت آلمان شده و همواره در راستای اهداف تجزیه‌طلبانه این گروه اقدام به تشکیل جلسه و برگزاری سخنرانی در آلمان می‌کنند.

راه‌اندازی انجمن دوسـتی عرب‌های ایران و آلمان نیز از دیگر چراغ سبزهای دولت فدرال آلمان به این تشکل‌های تروریستی است.

■ **آمریکا**

ایالات متحده آمریکا به طور دقیق‌تر سـرویس اطلاعاتی این کشور (CIA) را می‌توان بزرگ‌ترین و جدی‌ترین حامی این گروه تروریسـتی و تجزیه‌طلب دانست. در میان این تشکل‌های تروریسـتی فردی به نام «کریم عبدیان» مرتبط اصلی سـازمان اطلاعاتی و امنیتی ایالات متحده آمریکاسـت. وی سـردمدار به اصطلاح «سـازمان حقوق‌بشـر اهـواز»، نماینده عرب‌های خوزستان در پارلمان‌های اروپایی و مجامع حقوق‌بشـری و سـازمان «اقوام بدون ملل وابسته به سـازمان ملل متحد (UNPO)» بوده که به‌عنوان تبعه آمریکا شناخته می‌شـود و در عین برخورداری از سوابق تروریسـتی و هدایت گروهک‌های تروریسـتی، اجازه دارد در دانشگاه‌های آمریکا نیز تدریس کند.

مهم‌تریـن مأموریـت عبدیان ایجاد همپوشـانی میان گروه‌های تجزیه‌طلب خارج از کشـور اسـت که از سـال‌ها پیش تاکنـون به عنـوان بزرگ‌ترین نیاز برای اخذ پناهندگی سیاسـی از کشـورهای اروپایی بویژه انگلیـس، دانمارک، اتریش، بلژیک، سـوئد، هلند، آلمان و... از طریق دفتر سـازمان ملل در سوریه، به‌عنوان برخی از اهـم فعالیت‌های کلان عناصـر و گروهک‌هـای جریان تجزیه‌طلب عرب اسـتان در خارج از کشور بوده که در نوع خود کم‌نظیر و چه‌بسا بی‌نظیر بوده است.

ایـن اقدام‌ها از لحـاظ جنـس و نـوع کاملاً متفـاوت از حرکت‌های پیشـین همیـن گروه‌هـا و جریان‌ها بـوده که نمونه‌هایی همچون غائله گروهک خلق عرب در خوزستان را در ابتدای پیروزی انقلاب همزمان با غائله‌های مرزی در اطراف ایران، ایجاد کردند. بنابراین بررسی روند تحرک این گروه‌های جدایی‌طلب نشـان می‌دهد به لحاظ جنس و محتوای ادعاها، تفـاوت بنیادین با نظر و رفتار قوم عـرب، ولو افراد ناراضی و معترض در ایـران دارند. در واقع می‌تـوان اینگونه بیان کرد که آنچه بعـد از انقلاب اسـلامی ایران توسـط گروه‌های تجزیه‌طلب مدعی عرب‌های ایران مطرح یا انجام شده است، اساسـاً عربی- ایرانی نیسـت و با دخالت کشورهای منطقه، سـرویس‌های اطلاعاتی دشـمن و با نقش محـوری آمریکا عملیاتی شده است.

مدل‌شناسی فعالیت سازمان‌یافته هسته‌های وهابی ـ سلفی در استان خوزستان

تبلیغ ترور

فرشاد گلزاری: تبلیغ و ترویج سلفیت در استان خوزستان از جمله مأموریت‌های ویژه کانون‌های سلفی کویت، امارات، قطر و عربسـتان است که با شدت و جدیت هر چه تمام‌تر در دسـتور کار ایـن دولت‌ها قرار دارد. ایـن کانون‌ها افراد جذب شـده را برای تحصیل در مدارس دینی کشـورهای خـود دعوت کرده و پس از فراگیری علـوم دینی و آموزش‌های لازم مجدداً به ایران و استان خوزستان برمی‌گردانند. افراد جذب شده و تعلیم دیده بعد از بازگشت به کشـور وظیفه راه‌اندازی شاخه‌های تبلیغی و جذب جوانان و نوجوانان را بر عهده دارند.

■ **ماشین تبلیغی**

باید توجه داشت که در روند جذب، آموزش و تکثیر نیرو، وجود یک ماشین تبلیغاتی نیاز مبرم به حسـاب می‌آید تا جمعیت بیشتری از عربهای ایرانی استان خوزستان را تحت تأثیر خود قرار داده و به فرقه وهابیت جذب کند. برای این مقصود در حال حاضر تعداد ۱۰ شبکه ماهوارای به نام‌های المجد، الحکمه، العقاسی، الرساله، الفجر، المستقله، البدر، شاذا، النجاه و الجزیره و تعداد ۹ کانال رادیویی، تبلیغات وسیعی را در این باره انجام می‌دهند تا نفرات بیشتری را به پیاده‌نظام خود جذب کنند. به عنوان مثال شبکه المستقله در یکی از برنامه‌های خود یک روحانی شیعه را در مقابل یکی از علمای وهابی قرار داده تا با یکدیگر به مناظره و مباحثه بپردازند. همیشه این مناظره‌ها به گونه‌ای به پایان می‌رسد که روحانی شـیعی تسلیم شده و قادر به دفاع نیست. این سناریوهای از پیش تعیین شده برای مخاطبانی که از علم و سواد کافی دینی برخوردار نیستند، مؤثر

جلسه تبلیغی سلفیت جهادی اقدامات تروریستی در ریاض

بنـا به راهبردهای خود در منطقه بـه این بازی ورود پیدا کرد و در اوج گسـترش نفـوذ و هژمونی خـود در منطقه و بویژه ایران، برای دسـتیابی به این سیاسـت برنامه‌ریزی کرد. این برنامه‌ریـزی زمانی جدی‌تر در دسـتور کار آمریکایی‌ها قرار گرفت که وقوع انقلاب اسـلامی ایـران بخش قابل توجهی از معادلات منطقه را به ضرر آمریکا بر هم زد. به عبارت دقیق‌تر ایالات متحده آمریکا پس از سـقوط رژیم پهلوی و به واسطه از دسـت دادن ژاندارم خود در منطقه، تمایل خود نسـبت به تجزیه ایران و بویژه جدا شـدن منطقه نفت‌خیز خوزستان از پنهان نگـرد و در طول ۳ دهه از پیروزی انقلاب شـکوهمند اسلامی از تمام فرصت‌های پیش‌رو به منظور پیشبرد اهداف خود در منطقه و کشور استفاده کرده است.

آمریکا پس از اشـغال عـراق در فروردین ۱۳۸۴، به همراه همپیمانان نظامی خود بویژه انگلیس و رژیم صهیونیسـتی، در نزدیکی قطب اقتصادی ایران، یعنی «خوزسـتان»، حضور فیزیکی و اطلاعاتی خود را گسـترش داد. البته پیش از آغاز کنشـگری و فعالیت آمریکا در منطقه، صدام نقشی مشابه با این مهم را بر عهده داشت. حزب بعث از سال‌ها پیش از انقلاب اسلامی به دخالت آشکار و پنهان در خوزستان می‌پرداخت اما در این میان از دیگر همسایگان عرب ایران در حاشیه جنوبی خلیج‌فارس تحرک چندانی دیده نمی‌شد.

این روند بعـد از پیروزی انقلاب اسـلامی تغییـر کرد و دقیقاً زمانی که کشورهای کوچک عربی حاشیه خلیج‌فارس مـوج قدرتمند انقلاب ایران و خطرات احتمالی سـرایتش به ملت‌های عربی را درک کردند، جهت جلوگیری از آسـیب‌های جدی برای حاکمیت خود با هدف معطوف کردن نگاه حکومت مستقر در ایران، اقدام به حمایت از جریان‌های واگرای قومی و ترویـج سـلفیت جهادی پـس از پایان جنـگ تحمیلی در خوزسـتان کردند. در این راه عربسـتان، کویت، قطر، مصر، یمن، تونس و امارات عربی متحده از جمله کشورهایی هستند که در این زمینه فعالیت چشمگیری از خود نشان دادند.

گسترش حمایت‌ها از گروه‌ها و جریانات کوچک مدعی قوم عرب در منطقه خوزستان کم‌کم به جایی رسید که این گروه‌ها بـا تغییر رویه به عرصه‌های بین‌المللی وارد شـده و مطالبات قومـی و تجزیه‌طلبانه خـود را در این عرصه مطـرح کردند. مسائلی همچون «اشغال خوزستان و لزوم کسب آزادی و در نهایت استقلال خوزستان» از این دوره به بعد مطرح شد. مقولاتـی همچـون حقوق‌بشـر، فعالیت‌های رسـانه‌ای بین‌المللـی، برگـزاری جلسـات هم‌اندیشـی، کنفرانس و سـمینارهای ملی اقوام خارج از کشور با حضور نمایندگان تمـام گروه‌هـا و احـزاب ضدانقـلاب، عضویـت در مجامع بین‌المللی از جمله سازمان اقوام و ملل بدون نماینده وابسته به سـازمان ملل متحد (UNPO)، حضـور در پارلمان‌های اروپا و اتحادیه عرب، سفرهای متعدد به کشورهای منطقه جهت ملاقات با وزرای امور خارجه و مسـؤولان بلندمرتبه، برگزاری تظاهـرات متعدد در کشـورهای اروپایی، هدایت بسـیاری از اقدام‌هـای تروریسـتی در اسـتان از جملـه بمب‌گذاری‌هـا، انفجار لوله‌های نفت، راه‌اندازی جنبش‌های اعتراض‌آمیـز و تـلاش بـرای تغییـر مذهـب و گرایش به سـلفیت بویـژه در میـان جوانـان عـرب اهـواز و مناطق حاشـیه‌ای و قفیرنشین اسـتان، وارد شدن به فاز نظامی با سبک و سـیاق حرفه‌ای و با هدایت سـرویس‌های اطلاعاتی کشـورهای ثالث، تلاش برای فرهنگسـازی و جعل تاریخ و ایجاد هویت مسـتقل برای هموطنان عرب استان، استفاده از فضای رسـانه‌ای و تبلیغاتی با هدف تأثیرگذاری داخلی، منطقـه‌ای و بین‌المللی و در نهایت فرار به خارج از کشـور به منظـور ادامه مبارزه با جمهوری اسـلامی ایران و تلاش برای اخذ پناهندگی سیاسـی از کشـورهای اروپایی بویژه انگلیـس، دانمارک، اتریش، بلژیک، سـوئد، هلند، آلمان و... از طریق دفتر سـازمان ملل در سوریه، به‌عنوان برخی از اهـم فعالیت‌های کلان عناصـر و گروهک‌هـای جریان تجزیه‌طلب عرب اسـتان در خارج از کشور بوده که در نوع خود کم‌نظیر و چه‌بسا بی‌نظیر بوده است.

ایـن اقدام‌ها از لحـاظ جنـس و نـوع کاملاً متفـاوت از حرکت‌های پیشـین همیـن گروه‌هـا و جریان‌ها بـوده که نمونه‌هایی همچون غائله گروهک خلق عرب در خوزستان را در ابتدای پیروزی انقلاب همزمان با غائله‌های مرزی در اطراف ایران، ایجاد کردند. بنابراین بررسی روند تحرک این گروه‌های جدایی‌طلب نشـان می‌دهد به لحاظ جنس و محتوای ادعاها، تفـاوت بنیادین با نظر و رفتار قوم عـرب، ولو افراد ناراضی و معترض در ایـران دارند. در واقع می‌تـوان اینگونه بیان کرد که آنچه بعـد از انقلاب اسـلامی ایران توسـط گروه‌های تجزیه‌طلب مدعی عرب‌های ایران مطرح یا انجام شده است، اساسـاً عربی- ایرانی نیسـت و با دخالت کشورهای منطقه، سـرویس‌های اطلاعاتی دشـمن و با نقش محـوری آمریکا عملیاتی شده است.

تجزیه‌طلبانی که عرب نیستند!

فرزاد سیف‌نیا: اسـکان قومیت‌های مختلف ایرانی در اطراف مرزهـای ایران یکی از حربه‌های اسـتعمار انگلیس بود که از دوره رضاخان در ایران اجرا شـد و اهداف بلندمدت سیاسی و قیض و بسـط به محورهای امنیتی در آن دیده شده بود که یکی از مهم‌ترین و بدیهی‌ترین این اهداف ایجاد زمینه‌های جدایی‌طلبـی قومـی و در نهایـت چندپاره کردن سـرزمین یکپارچه ایـران بود. در آن موقع عربـهـای ایران در جنوب کشور و در منطقه نفت‌خیز و غنی خوزستان ساکن شدند و در زمان سکونت و هدایت قومیت‌ها به سمت مرزهای ایران، این مهم در نظر گرفته شده بود که قرابت قومیت‌ها با همسایگان ایران مدنظر قرار بگیرد تا با بهره‌گیری از رقابت‌های منطقه‌ای همسـایگان با دولت ایران و سوءاسـتفاده از قرابت‌های قومی این همسـایگان با مردم مرزنشین انگیزه لازم جهت حمایت از طیف‌های مرکزگریز قومی در اطراف ایران فراهم آید.

ایـن مرکزگریزی در ادامه با طراحی اسـتعمار انگلیس در خلال عدم رسـیدگی دولت مرکزی و ایجاد محرومیت مداوم برای مرزنشـینان و همچنین تولیـد ادبیات و فرهنگ تفرقه میان فارس‌ها و سایر اقوام پیگیری شد.

در این میان آمریکا همراسـتا با سیاسـت‌های انگلیس و بنـا به راهبردهای خود در منطقه بـه این بازی ورود پیدا کرد و در اوج گسـترش نفـوذ و هژمونی خـود در منطقه و بویژه ایران، برای دسـتیابی به این سیاسـت برنامه‌ریزی کرد. این برنامه‌ریـزی زمانی جدی‌تر در دسـتور کار آمریکایی‌ها قرار گرفت که وقوع انقلاب اسـلامی ایـران بخش قابل توجهی از معادلات منطقه را به ضرر آمریکا بر هم زد. به عبارت دقیق‌تر ایالات متحده آمریکا پس از سـقوط رژیم پهلوی و به واسطه از دسـت دادن ژاندارم خود در منطقه، تمایل خود نسـبت به تجزیه ایران و بویژه جدا شـدن منطقه نفت‌خیز خوزستان را پنهان نگـرد و در طول ۳ دهه از پیروزی انقلاب شـکوهمند اسلامی از تمام فرصت‌های پیش‌رو به منظور پیشبرد اهداف خود در منطقه و کشور استفاده کرده است.

آمریکا پس از اشـغال عـراق در فروردین ۱۳۸۴، به همراه همپیمانان نظامی خود بویژه انگلیس و رژیم صهیونیسـتی، در نزدیکی قطب اقتصادی ایران، یعنی «خوزسـتان»، حضور فیزیکی و اطلاعاتی خود را گسـترش داد. البته پیش از آغاز کنشـگری و فعالیت آمریکا در منطقه، صدام نقشی مشابه با این مهم را بر عهده داشت. حزب بعث از سال‌ها پیش از انقلاب اسلامی به دخالت آشکار و پنهان در خوزستان می‌پرداخت اما در این میان از دیگر همسایگان عرب ایران در حاشیه جنوبی خلیج‌فارس تحرک چندانی دیده نمی‌شد.

این روند بعـد از پیروزی انقلاب اسـلامی تغییـر کرد و دقیقاً زمانی که کشورهای کوچک عربی حاشیه خلیج‌فارس مـوج قدرتمند انقلاب ایران و خطرات احتمالی سـرایتش به ملت‌های عربی را درک کردند، جهت جلوگیری از آسـیب‌های جدی برای حاکمیت خود با هدف معطوف کردن نگاه حکومت مستقر در ایران، اقدام به حمایت از جریان‌های واگرای قومی و ترویـج سـلفیت جهادی پـس از پایان جنـگ تحمیلی در خوزسـتان کردند. در این راه عربسـتان، کویت، قطر، مصر، یمن، تونس و امارات عربی متحده از جمله کشورهایی هستند که در این زمینه فعالیت چشمگیری از خود نشان دادند.

گسترش حمایت‌ها از گروه‌ها و جریانات کوچک مدعی قوم عرب در منطقه خوزستان کم‌کم به جایی رسید که این گروه‌ها بـا تغییر رویه به عرصه‌های بین‌المللی وارد شـده و مطالبات قومـی و تجزیه‌طلبانه خـود را در این عرصه مطـرح کردند. مسائلی همچون «اشغال خوزستان و لزوم کسب آزادی و در نهایت استقلال خوزستان» از این دوره به بعد مطرح شد. مقولاتـی همچـون حقوق‌بشـر، فعالیت‌های رسـانه‌ای بین‌المللـی، برگـزاری جلسـات هم‌اندیشـی، کنفرانس و سـمینارهای ملی اقوام خارج از کشور با حضور نمایندگان تمـام گروه‌هـا و احـزاب ضدانقـلاب، عضویـت در مجامع بین‌المللی از جمله سازمان اقوام و ملل بدون نماینده وابسته به سـازمان ملل متحد (UNPO)، حضـور در پارلمان‌های اروپا و اتحادیه عرب، سفرهای متعدد به کشورهای منطقه جهت ملاقات با وزرای امور خارجه و مسـؤولان بلندمرتبه، برگزاری تظاهـرات متعدد در کشـورهای اروپایی، هدایت بسـیاری از اقدام‌هـای تروریسـتی در اسـتان از جملـه بمب‌گذاری‌هـا، انفجار لوله‌های نفت، راه‌اندازی جنبش‌های اعتراض‌آمیـز و تـلاش بـرای تغییـر مذهـب و گرایش به سـلفیت بویـژه در میـان جوانـان عـرب اهـواز و مناطق حاشـیه‌ای و قفیرنشین اسـتان، وارد شدن به فاز نظامی با سبک و سـیاق حرفه‌ای و با هدایت سـرویس‌های اطلاعاتی کشـورهای ثالث، تلاش برای فرهنگسـازی و جعل تاریخ و ایجاد هویت مسـتقل برای هموطنان عرب استان، استفاده از فضای رسـانه‌ای و تبلیغاتی با هدف تأثیرگذاری داخلی، منطقـه‌ای و بین‌المللی و در نهایت فرار به خارج از کشـور به منظـور ادامه مبارزه با جمهوری اسـلامی ایران و تلاش برای اخذ پناهندگی سیاسـی از کشـورهای اروپایی بویژه انگلیـس، دانمارک، اتریش، بلژیک، سـوئد، هلند، آلمان و... از طریق دفتر سـازمان ملل در سوریه، به‌عنوان برخی از اهـم فعالیت‌های کلان عناصـر و گروهک‌هـای جریان تجزیه‌طلب عرب اسـتان در خارج از کشور بوده که در نوع خود کم‌نظیر و چه‌بسا بی‌نظیر بوده است.

ایـن اقدام‌ها از لحـاظ جنـس و نـوع کاملاً متفـاوت از حرکت‌های پیشـین همیـن گروه‌هـا و جریان‌ها بـوده که نمونه‌هایی همچون غائله گروهک خلق عرب در خوزستان را در ابتدای پیروزی انقلاب همزمان با غائله‌های مرزی در اطراف ایران، ایجاد کردند. بنابراین بررسی روند تحرک این گروه‌های جدایی‌طلب نشـان می‌دهد به لحاظ جنس و محتوای ادعاها، تفـاوت بنیادین با نظر و رفتار قوم عـرب، ولو افراد ناراضی و معترض در ایـران دارند. در واقع می‌تـوان اینگونه بیان کرد که آنچه بعـد از انقلاب اسـلامی ایران توسـط گروه‌های تجزیه‌طلب مدعی عرب‌های ایران مطرح یا انجام شده است، اساسـاً عربی- ایرانی نیسـت و با دخالت کشورهای منطقه، سـرویس‌های اطلاعاتی دشـمن و با نقش محـوری آمریکا عملیاتی شده است.

پان عربیسم؛ مهره مرتجعین منطقه

■ محس